

پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی رشد

مهرناز باشی‌زاده مقدم*

علی‌راد**

چکیده

مطابق آیه «اعلموا أنَّما الحیاة الدُّنیا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زینةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَ تَکَاثُرٌ فِی الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ» برخی مفسران گرایش‌های پنجگانه، لعب، لهو، زینت، تفاخر و تکاثر را از جمله عمده‌ترین گرایش‌های انسانی و متناظر با پنج دوره سنی کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و کهن‌سالی شمرده‌اند. از سویی مطابق دیدگاه‌های روانشناسی رشد، اوصافی برای هر دوره سنی مذکور بیان شده که این پژوهش در پی تبیین جنبه‌های مشترک اوصاف این پنج بازه سنی و گرایش‌های متناظر آن از منظر قرآنی و روانشناسی رشد است. همچنین در اغلب آیات قرآنی، پنج گرایش مذکور در معنای مذموم و از جمله مصادیق زندگی دنیوی یاد شده‌اند، اما در برخی موارد فحوائی آیاتی که این گرایش‌ها در آنها ذکر شده یا بعضی آیات که بیانی مرتبط با این گرایش‌ها دارند، دلالت بر سویه‌ای ممدوح از این پنج‌گرایش دارند. اگرچه در بیان تفسیری، هر یک از گرایش‌های پنج‌گانه با بازه سنی خاصی مرتبط است، اما جز در موارد معدود، ظهر آیات، این گرایش‌ها را به بازه سنی خاصی منحصر نمی‌دانند و چه بسا بتوان گفت که ظهور و پدیداری این گرایش‌ها در بازه مرتبط با آن بوده، اما دوام و بقای آن محدود به دوره سنی خاصی نیست.

واژگان کلیدی

آیه ۲۰ حدید، حیات انسانی، گرایش‌های انسانی، روانشناسی رشد.

*. دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث و مدرس دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

mbashizadeh@yahoo.com

ali.rad@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۹

** . دانشیار دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۱

طرح مسئله

مطابق دیدگاه تفسیری پنج‌گرایش لعب، لهو، زینت، تفاخر و تکاثر، با ادوار پنج‌گانه حیات آدمی متناظر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۶۴؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۵ / ۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۳۵۲ - ۳۵۱؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۲) از سویی از منظر روان‌شناسی رشد، یک فرد به موازات طی مراحل رشد در هر یک از پنج بازه سنی کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و کهن‌سالی دارای خصوصیات جسمانی، شناختی و هیجانی متفاوتی است. این پژوهش در پی تبیین اشتراکات اوصاف پنج‌گرایش مذکور از منظر آیات قرآنی و روان‌شناسی رشد و نیز بیان سویه ممدوح این‌گرایش‌ها از منظر قرآنی، به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی و تحلیل محتوی است.

۱. لعب‌گرایی

دوره نخستین حیات آدمی دوره کودکی است که از دیدگاه تفسیری با گرایش «لعب» یا بازی ملازم است. مطابق یکی از دیدگاه‌های روانشناسی رشد بازه سنی کودکی، سن تولد تا یازده سالگی بیان شده است. در این میان بازی‌های کودکان به‌عنوان شاخصه برجسته‌ای از رفتارهای کودک متعاقب رشد جسمانی، شناختی و تفاوت‌هایی پیدا می‌کند. (برک، ۱۳۹۰: ۱ / ۴۹۲ - ۴۹۱) از دیدگاه رفتارشناسی، بازی برای کودک، جدی‌ترین موضوع حیات او است. دوران بازی کودک، دوران تعطیلی تکامل نیست؛ بلکه دوران شکوفایی استعدادها و از این طریق است اما در مورد بزرگسالان گاه بازی، مساوی با وقت‌گذرانی، بطالت، غفلت و ... دانسته شده است (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۲۵۹ - ۲۵۸)

معناشناسی «لعب»

«لعب» در معنای جامع بازی به عملی گفته می‌شود که نفعی بر آن مترتب نیست و آن را ضد جدّ شمرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۷۴۱). اصل کلمه «لعب» از «لعب» گرفته شده است، که به معنای آب دهانی است که جاری است و وجه تسمیه «لعب» و پیوند آن با معنای «لعب» از این جهت است که لایع، به غیر جهت حق می‌رود مانند آب دهان بجه (قرشی، ۱۴۲۰: ۶ / ۱۹۱). همچنین معنای «لعب» را معادل «عبث» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷ / ۴۳۰) و «باطل» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۰۹) که امری بیهوده و فاقد حقیقت است و همچنین «هزو» (همان: ۱۰ / ۴۷۲) به معنای شوخی و استهزاء گرفته‌اند. در تفاسیر «لعب» کنایه از اشتغال به دنیا شمرده شده (همان: ۸ / ۲۰۲) و لهو و لعب را جز عمل معصیت ندانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۵۴)

۱۹۳ □ پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی رشد

اوصاف لعب‌گرایی از منظر آیات قرآنی و روانشناسی رشد

از دیدگاه روان‌شناسی برای بازی تعاریف متعددی بیان شده است؛ معتبرترین این تعاریف در مورد بازی بیان می‌کند که آن:

فعالیتی است که بدون نیروی خارجی (زور و اجبار)، کاملاً اختیاری که بدون هدف و منظور خاص انجام می‌گیرد، به طوری که انجام آن سبب آرامش و لذت می‌گردد.
(احمدوند، ۱۳۷۱: ۳۳)

همچنین طبق نظریه راسل علاقه به بازی بارزترین علامت ممیزی بچه‌ها است. از سویی طبق نظریه پیازه فعالیت بازی است که دارای مؤلفه‌های ذیل باشد: ۱. هدف خارجی نداشته باشد. ۲. اختیاری باشد. ۳. لذت‌بخش باشد. ۴. سازماندهی نداشته باشد. ۵. از هرگونه کشاکش و پرخاشگری آزاد باشد.
(پاپالیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۲۴ - ۳۲۱)

در تبیین مفهوم قرآنی «لعب» در تفسیر آمده که آن به معنای کار یا کارهای منظمی است که با نظم خیالی و برای غرض خیالی انجام می‌گیرد، مثل بازی بچه‌ها. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۴۷) این تعریف با بخشی از تعاریف روان‌شناسان در مورد بازی همخوانی دارد اما در مجموع آیاتی که واژه «لعب» در آنها به کار رفته ۸ مورد و مجموعه آیات که این واژه و مشتقات آن در آنها به کار رفته است ۲۰ مورد است. مصادیق قرآنی که ریشه «لعب» در آنها به کار رفته با توجه به اوصاف «لعب» می‌توان در دسته‌بندی‌های زیر قرار داد:

عدم بقا و دوام «لعب»

از جمله اوصاف «لعب» یا بازی از دیدگاه قرآنی عدم بقا و دوام آن است. کودکان نیز ساعتی به بازی مشغولند و چون از آن خسته می‌شوند رهاش می‌کنند. در بسیاری از آیات، از جمله آیاتی که در آنها زندگی دنیا در برابر زندگی آخرت ذکر شده، از حیات دنیوی به عنوان «لعب» نام برده شده است. این مسئله به علت بقا و دوام زندگی اخروی در برابر زندگانی دنیوی است.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَاةُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛
(عنکبوت / ۶۴؛ انعام / ۳۲؛ حدید / ۲۰؛ انعام / ۳۲)

مجاز بودن «لعب»

از دیگر مشخصه‌های «لعب» یا بازی مجاز بودن و غیرواقعی بودن آن است. پرواضح است که وقتی

کودکی خانه‌ای می‌سازد یا در نقشی بازی می‌کند، هیچ‌کدام از این امور حقیقت ندارند اگرچه کودکی که مشغول بازی است آن را حقیقت بیندارد، این موضوع در بازی‌های وانمودسازی کودکان بیشتر جلوه‌گر است. (برک، ۱۳۹۰: ۴۵۶) در تفسیر هم بیان شده که لعب فعلی است که برای غرض خیالی صورت می‌پذیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۴۷) در تبیین این معنا از تقابل معنای «حق» و «لعب» و از هم‌گرایی معنایی «باطل» و «عبث» با «لعب» نیز در تفاسیر سخن رفته است (همان: ۱۷ / ۳۰۹) «أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ»؛ (انبیاء / ۵۵) «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بِاطِّلَاءٍ...» (ص / ۲۷؛ اعراف / ۵۱)

بی‌فایده بودن «لعب»

از شاخصه‌های دیگری که برای «لعب» برشمرده شده بی‌فایده بودن و هدف عقلایی نداشتن فعل بازی است. کودکان ادراک انتزاعی ندارند و آنچه انجام می‌دهند برای تفریح و دوری از کسالت است (احمدوند، ۱۳۷۱: ۳۳) از دیدگاه قرآنی نیز «لعب» فعلی است که فایده‌ای عقلایی برای انسان رشدیافته بر آن مترتب نیست. این معنا چنان‌که در بخش معناشناسی نیز آورده شد در مفهوم «عبث» و اشتراک معنایی آن با «لعب» مستتر است. همچنین از اطلاق معنای «باطل» در «لعب» نیز همین معنا مستفاد می‌شود. از جمله آیاتی که «لعب» در معنای بی‌فایده و عبث بودن و باطل بودن آمده، آیات: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِينَ» (دخان / ۳۸؛ انبیاء / ۱۶ و ۵۵) است.

لذت‌بخش بودن و دوری از کسالت در «لعب»

گرایش به بازی یا «لعب» در کودکان اقتضای طبیعت آنها در سال‌های نخست زندگی است. از دیدگاه روان‌شناسی همراه با نظریه اولیه نیروی اضافی، نظریه دیگری مطرح شد که بازی‌ها شکل‌هایی از استراحت و آرامیدگی و یا تن آرامی هستند. طبق این نظریه بازی به‌هنگامی که فرد خسته است صورت می‌گیرد تا استراحت و تجدید قوا در او حاصل شود. مطابق این بیان کودک نیز برای افزودن انرژی و آرام ساختن خود و رفع تنش‌های موجود در درون خود نیاز به بازی دارد. (احمدوند، ۱۳۷۱: ۳۶) مطابق آیات قرآنی تنها در یک آیه ریشه «لعب» در معنای بازی کودکان به کار رفته، که برای تفریح و نشاط کودک و دوری از کسالت و لازمه رشد جسمی و ذهنی کودک است و با دوره ابتدایی حیات انسان ملازمت درستی دارد و چنان‌که از فحوای آیه و سیاق فهمیده می‌شود در انجام آن منع و ممانعتی نیست. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۲۳۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳ / ۸)

پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی رشد □ ۱۹۵

چنانکه برادران یوسف از پدر می‌خواهند تا او را برای تفریح و سرگرمی با آنها به صحرا بفرستد:
«أَرْسَلُهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». (یوسف / ۱۲)

۲. لهوگرایی

دومین گرایش که با بازه دوم حیات آدمی؛ یعنی دوره نوجوانی متناظر است گرایش «لهو» است. مرحله نوجوانی، مرحله گذار رشد فیزیکی و روانی انسان است که میان کودکی و جوانی واقع شده است. مطابق دیدگاه روانشناسی مشهور سن ۹ تا ۱۸ سالگی متناظر با دوره نوجوانی است. (برک، ۱۳۹۰: ۲ / ۷ - ۶) یکی از مؤلفه‌های مهم دوره نوجوانی به لحاظ روان‌شناختی بحران هویت است. (پاپالیا، ۱۳۹۲: ۴۳۷) نوجوان در این سن سعی می‌کند از یک‌سو به سؤال من کیستم؟ پاسخ دهد و ارزش‌ها و هدف‌های خود را تبیین کند. (برک، ۱۳۹۰: ۲۸) از سویی به‌موازات رشد جنسی نوجوان با علائم بلوغ فیزیکی مواجه شده و با رشد سیستم عصبی در این دوره به نوعی از بلوغ فکری دست می‌یابد که پیامد آن توانایی تفکر انتزاعی، منظم و علمی است. (همان، ۳۷) شاید از همین رو است که مطابق آموزه‌های دینی سن تکلیف دختران و پسران در این بازه قرار می‌گیرد.

معناشناسی «لهو»

«لهو» را آنچه کسی را سرگرم سازد و با آن بازی کند، مانند طرب و از قبیل آن معنا کرده‌اند. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۲۵۹ - ۲۵۸) همچنین «لهو» بازماندن از امور لازم و مهمه انسان است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴ / ۸۷) همچنین معنای «لهو» معادل «لعب»، (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۲۵۹ - ۲۵۸) «سمود» به‌معنای بی‌اعتنایی به امور دیگر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۱۹۶ - ۱۹۵) و نیز «لغو» که هر گفتار و عملی است که فایده قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد، بیان شده است. (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۲۲۶)

اوصاف لهوگرایی از منظر آیات قرآنی و روان‌شناسی رشد

چنان‌که گفتیم دومین گرایش؛ یعنی «لهو» با دومین دوره حیات انسانی؛ یعنی نوجوانی متناظر است. با توجه به رشد شناختی در این دوره یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که محور تفکر نوجوانان قرار می‌گیرد، خود آنان و به اعتباری هویت خویشتن است. (برک، ۱۳۹۰: ۷۳ - ۶۸) از جمله مواردی که در نگره دینی می‌تواند با این مؤلفه روان‌شناختی در نوجوانان مرتبط باشد، هویت‌یابی نوجوان با عنوان «عبد» است، «عبدی» که مخاطب پیام الهی قرار می‌گیرد و قابلیت پذیرش و انجام تکالیف دینی را می‌یابد. پیش‌تر بیان شد که سال‌های آغاز تکلیف دختران و پسران، هر دو در بازه سنی نوجوانی یا دوره دوم

زندگی قرار می‌گیرد؛ گویی نوجوانان با پذیرش عقلانی و تثبیت باورها با رفتارهای دینی و اخلاقی به هویت خود اعتبار می‌بخشند. حقیقت این است که در دوره نوجوانی تفکرات انتزاعی، شکل‌گیری ایدئولوژی و تعهد به آرمان‌ها آغاز می‌گردد، از این‌رو نوجوانان به دنبال مرجعی دینی یا اخلاقی برای رجوع هستند؛ (سلیمانی‌فر، ۱۳۸۵: ۶۳) و گویی توأم با بلوغ فکری نوجوان در پی پاسخ به ندای فطرت خود بر می‌آید.

«لهوگرایی» که اشتغال به امور بدون نتیجه و غافل شدن از امور مهم است با نیاز نوجوان به هویت‌یابی و باورمندی متعارض است. نوجوان در تلاطم بین هویت‌یابی و از خودبیگانگی است؛ خودبیگانگی که ثمره‌اش بیگانگی از خدا است؛ (اکبری، ۱۳۹۳: ۸۷) شاید از همین‌رو است که در بیشتر گزاره‌های قرآنی هر جا از «لهوگرایی» سخن رفته اشاره‌ای به صورت مستقیم یا ضمنی به باورهای شخص شده است.

در مجموع واژه «لهو» در قرآن ۱۰ بار و این واژه به همراه مشتقاتش ۱۶ بار در قرآن به کار رفته است. لازم به ذکر است از آنجا که «لهو» با «لعب» اشتراک معنایی دارد، به همین سبب برخی از اوصاف این گرایش با «لعب‌گرایی» یکی است و در نتیجه در مبحث «لعب‌گرایی» به آنها پرداخته شده است و در اینجا از تکرار آن موارد پرهیز می‌شود.

غفلت و «لهو»

چنان‌که پیشتر در معناشناسی «لهو» بیان شد این امر با نوعی بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به امور مهم همراه است. بسیاری از نوجوانان در ایام نوجوانی با پرداختن به امور مختلف از جمله سرگرمی‌ها، خیال‌پردازی‌ها و رویابافی‌های غیرمنطقی از امور مهمه باز می‌مانند. شاید بتوان گفت که این امر در مراحل هویت‌یابی، در مرحله وقفه هویت است و نوجوان هنوز تعهد قطعی به چیزی ندارد و تعاریف روشنی از ارزش‌ها برای خود پیدا نکرده است، (برک، ۱۳۹۰: ۷۳) از این‌رو از مهمات خود غافل می‌شود. اهمیت ارزش‌ها در دوره نوجوانی تا جایی است که برخی این دوره را دوره رغبت ذهنی به ارزش‌ها دانسته و توجه به آن را مهم‌ترین راه پیشگیری از مشکلات روانی - اجتماعی نوجوانان دانسته‌اند. (آزاد مرزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۴) در بیان قرآنی جایگاه متفاوت ارزشی امور برای انسان‌ها ذکر شده، از این‌رو برخی با پرداختن به آمال و آرزوها، تجارت و بیع و مال و اولاد از امور مهم‌تر غافل می‌شوند. پرواضح است که در نگره قرآنی الزاماً این افراد نوجوان نیستند، بلکه تنها فعل آنها صفاتی دارد که با اقتضائات فعل نوجوان مطابق است.

الف) پرداختن به آمال و آرزوها

ذَرَّهُمْ يَا كُلُّوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ. (حجر / ۳)

ب) پرداختن به تجارت و بیع

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ... (نور / ۳۷)

ج) پرداختن به مال و اولاد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ... فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. (منافقون / ۹)

لدّت جویی و «لهو»

بسیاری از نوجوانان اوقات خود را به سرگرمی‌هایی چون تعریف کردن حرف‌های بیهوده برای وقت‌گذرانی، طعنه‌زدن و مسخره کردن امور مهم از جمله امور معنوی یا گوش کردن موسیقی و ... صرف می‌کنند و گاه پرداختن به این امور به قدری زیاد است که از مهمات زندگی خود باز می‌مانند. در نگره قرآنی اگرچه لهوگرایی اختصاص به دوره نوجوانی ندارد اما به لحاظ ماهیت و مؤلفه‌ها گاه اشتراکاتی با افعال نوجوانان دارد.

در آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان / ۶) در بیان مصادیق «لَهْوُ الْحَدِيثِ» که آدمی را از حق غافل و به خود مشغول می‌سازد، آورده شده است که لهو الحدیث آن سخنی است که آدمی را از حق منصرف نموده و به خود مشغول سازد، مانند حکایات خرافی و داستان‌هایی که آدمی را به فساد و فجور می‌کشاند یا از قبیل سرگرمی به شعر، موسیقی، مزمار و سایر آلات لهو که همه اینها مصادیق لهو الحدیث هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۲۰۹)

دوستی و «لهو»

دوستی جایگاه خاصی برای نوجوان دارد. یکی از منابع مهم حمایت هیجانی در خلال دوره انتقالی پیچیده نوجوانی و نیز یکی از منابع فشار برای ارتکاب به رفتارهایی که احتمالاً والدین از آنها بسیار ناراحت می‌شوند، معاشرت روزافزون نوجوانان با هم‌سالان و دوستان است. نوجوانان در این سن اغلب والدین خود را الگوی رفتاری مناسبی نمی‌دانند، اما هنوز آن‌قدر به خود اطمینان ندارند که درست و غلط

را بشناسند، از این رو به دوستان خود پناه می‌برند که منبع مهربانی، درک و هدایت اخلاقی برای آنها هستند. (پاپالیا، ۱۳۹۲: ۴۹۴) در گزاره‌های قرآنی مؤمنان از دوستی با برخی افراد پرهیز داده شده‌اند، از جمله دوستی با شیطان، (اعراف / ۳۰) کافران، (نساء / ۱۴۴) یهود و نصارا، (مائده / ۵۱) دوستی با دشمن خود و خدا، (ممتحنه / ۱) دوستی نگرفتن قومی که خدا بر آنها غضب کرده، (ممتحنه / ۱۳) دوستی نگرفتن پدران و برادرانی که کفر را بر ایمان ترجیح دادند (توبه / ۱۳) و در آیه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ (مائده / ۵۷)

مؤمنان از دوستی گرفتن اهل کتاب و کفاری که دین‌شان را به سخریه می‌گیرند نهی شده‌اند. در مقابل این دستور از اجتناب دوستی با برخی افراد قرآن معیار دوستی حقیقی را تبیین می‌کند و می‌گوید زنان و مردان مؤمنی که با هم دوست هستند - در هر سنی که باشند - یکدیگر را از کارهای زشت باز می‌دارند و به کارهای نیک امر می‌کنند و از دیگر خصوصیات آنها برپاداشتن نماز، ایتاء زکات و اطاعات از خدا و رسول او است. (توبه / ۷۱)

۳. زینت‌گرایی

سومین گرایش، که از منظر قرآنی با دوره سؤم حیات آدمی؛ یعنی جوانی متناظر است گرایش «زینت» است. جوانی دوره‌ای شکوهمند، پر اوج و بی‌بازگشت است. در مورد محدوده سنی جوانی در بین روان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. مطابق دیدگاه مشهور از نظریات روان‌شناسی رشد، دوره جوانی به بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سالگی یا ۲۰ تا ۴۰ سالگی اطلاق می‌شود. (برک، ۱۳۹۰: ۲ / ۳۳۲ - ۳۳۱) شاید از مهم‌ترین خصوصیات دوره جوانی که در پی رشد جسمی حاصل می‌آید، نهایت بالندگی و زیبایی و چنان‌که در تعبیر قرآنی آمده قوت و قدرت جسمی باشد؛ (غافر / ۶۷؛ روم / ۵۴) از این رو جوان خود مصداق تام زینت است. از سویی حب جمال و خودآرائی امری فطری است و عموم افراد تمایل و گرایش به زیبایی دارند و این گرایش در نهاد همگان وجود دارد و از آن تعبیر به زیبایی‌پرستی و زیبایی‌ستانی می‌شود، اما همچون سایر گرایش‌ها، این گرایش نیز می‌تواند دچار افراط یا تفریط گردد. (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۷: ۹۴) می‌توان گفت «زینت‌گرایی» از ملازمات دوره جوانی است و جوان شیفته اظهار وجود و دلباخته ابراز لیاقت و شایستگی است. برای جوان، اثبات شخصیت اجتماعی مطبوع‌ترین و شیرین‌ترین لذت روحی است و برای نیل به این مقصود از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند. (علیزاده، ۱۳۸۰: ۳۲) همچنین حس خودشیفتگی و جلوه‌گری او باعث می‌شود آراستگی و «زینت‌گرایی» نه تنها در ظاهر بلکه

۱۹۹ □ پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی رشد

در رفتار و گفتار او نیز تجلی یابد. یکی از دلایل جلوه‌گری از طریق زینت در میان جوانان، مقبولیت در میان گروه‌های سنی مشابه، بالاتر و همچنین جنس مخالف است. (پاپالیا، ۱۳۹۲: ۵۴۵) بررسی آیاتی که به گرایش زینت پرداخته‌اند، روشن می‌سازد که این گرایش الزاماً مرتبط با جوانان نیست و افراد دیگر در بازه‌های سنی متفاوت متأثر از این گرایش هستند.

معناشناسی «زینت»

«زینت» اسمی جامع برای هر آن چیزی است که با آن آراستگی و زینت صورت گیرد، از جمله زیور آلات و لباس و مانند آن. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۳ / ۲۰۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷ / ۳۸۷) این سخن به این معنا است که «زینت» مطلق زیبایی و آرایه است؛ یعنی هر آنچه با آن تزیین می‌گردد؛ چه آن آراستگی و زیبایی چون علم، زینت نفس باشد و یا چون طراوت جوانی، زینت بدنی و چون مال و مقام، زینت خارجی. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲ / ۱۶۸ - ۱۶۷) در بیان قرآنی گاه واژه «زینت» با «زخرف»، (انعام / ۱۱۲) «ریش»، (اعراف / ۲۶) «جمال» (نحل / ۶) و «حلیه»، (نحل / ۱۴؛ فاطر / ۱۲) یکی دانسته شده و در معنای لباس، فلزات قیمتی، اسباب و لوازم خانه نیز ... آورده شده است.

اوصاف زینت‌گرایی از منظر آیات قرآنی و روان‌شناسی رشد

دوره جوانی دوره اثبات شخصیت اجتماعی است. بیشتر جوانان در این دوره با بلوغ جسمی و عقلی برای آینده خود اهدافی را تعریف می‌کنند که گاه تا پایان عمر سلامت، شادی و موفقیت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ آنها به تحصیل، اشتغال و تشکیل خانواده روی می‌آورند. همه این موارد به‌گونه‌ای اثبات شخصیت و هویت جوان است (سلیمانی‌فر، ۱۳۸۵: ۵۲ - ۵۱) و دانسته یا نادانسته با گونه‌ای آراستگی یا زینت در ظاهر، کلام و گفتار، رفتار و اندیشه آنها همراه است. با اینکه شخصیت جوان دارای مؤلفه‌های متعدد است، اما آنچه در این بخش از نوشتار به آن پرداخته می‌شود اوصاف عمومی گرایش «زینت» از دیدگاه قرآنی است که منحصر به دوره جوانی نیست اگرچه در دوره جوانی بیشتر بروز و ظهور داشته باشد.

ریشه «زین» در قرآن در ۴۴ مورد به‌کار رفته است. واژه «زینت» در ۱۱ مورد و ترکیب این واژه با ضمیرهای متصل در ۸ مورد به‌کار رفته است.

نیکونمایی و «زینت»

بسیار دیده‌ایم که روحیه خودشیفتگی جوان باعث می‌شود خود را به‌گونه‌های مختلف بیاراید. گاه «زینت»

جوان الزاماً لباس و آرایش‌های ظاهری و زیورآلات نیست؛ اندیشه نو و خلاق جوان هم گاه زینت او است که به معرض نمایش می‌گذارد. «زینت» باید به گونه‌ای باشد که در معرض دید سایرین قرار گیرد و تأثیری روانی بر آنها گذارد؛ یعنی یا موجب تحسین و تمجید آنها شود و آنها را به تفکر در مورد زینت‌کننده وادارد یا موجب عبرت و استدلال در مورد امری خاص باشد. لازم به ذکر است که اگرچه خودآرائی و خودنمایی مقارن هم ظهور می‌کنند اما دو مفهوم و دو واقعیت متمایزند. خودآرائی امری فطری است و افراد تمایل و گرایش به جمال و زیبایی دارند، بر اثر این تمایل است که انسان آنچه را زیبا بداند دوست دارد و دوست دارد که خود نیز از زیبایی و جمال همه‌جانبه بهره‌مند شود، اگرچه ممکن است این تمایل و گرایش مانند گرایش‌های دیگر دچار افراط و تفریط شود. خودآرائی جوانان چنان که در مقدمه این بخش بیان شد برای نکونمایی در چشم همسالان و بزرگسالان یا جنس مخالف است. در آیات قرآنی اغلب نکونمایی که از جانب خدا صورت گرفته برای ایجاد پرسشی مقدر یا محسوس در مورد خالق زیبایی‌ها است. (نحل / ۸ و ۶؛ نمل / ۶؛ یوسف / ۳۱؛ فخرایی و اسلام پور کریمی، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

بدیهی است که پیدایش و وجود لباس و پوشش به لحاظ امنیتی، اجتماعی و روانی جایگاه ویژه دارد. می‌توان گفت از جمله مهم‌ترین وجه‌های روانی پوشش یا لباس وجه خودآرائی در معنای مثبت و خودنمایی در معنای منفی آن است، چراکه لباس در معنای «زینت» زشتی‌ها را می‌پوشاند. از سویی جوان که در سنین جوانی در اوج بالندگی جسمی است و از سویی به لحاظ روانی در پی هویت‌یابی و شخصیت‌سازی است بیش از سایرین به پوشش ظاهری خود توجه می‌کند؛ چراکه لباس خانه دوم او می‌شود و او با نحوه پوشش خود بخشی از هویت و باورهای خود را ابراز می‌کند. بسیاری از آیات قرآنی به مسئله پوشش از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند، چه به لحاظ زینت در این دنیا و چه در سرای عقبی، (اعراف / ۲۶ و ۳۱؛ فاطر / ۳۳؛ دخان / ۵۳) و هم به لحاظ بیان احکام شرعی پوشش، (نور / ۳۱) اما از بیانی قرآنی فهمیده می‌شود که جلوه‌گری‌ها و خودنمایی‌ها بیشتر از آن کسانی است که در برهه جوانی قرار دارند نه کسانی که در سنین کهن‌سالی هستند، چنان که در شریفه قرآنی آمده است و بر زنان از کار افتاده‌ای که امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند، اما عفت ورزیدن برای آنها نیز بهتر است؛ «وَالْفَوَاحِشُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ كَالْحَا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». (نور / ۶۰) از آنجا که دوره جوانی اوج زیبایی و آراستگی ظاهری آدمی است و جوان خود مظهر زینت است جوانان به این خودنمایی برای جلوه زیبایی‌شان بیش از سایرین گرایش دارند. این خودنمایی غالباً با آرایش و خودآرائی توأم است و تنها در نمایش و آرایش بدن و اندام‌های جسمانی خلاصه نمی‌شود، بلکه با نمایش و آرایش در لباس نیز همراه

پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی رشد □ ۲۰۱
است و گاه در نحوه گفتار و رفتار هم تسری دارد. بخشی از این خودنمایی می‌تواند متأثر از گزینه جنسی جوان باشد که به‌عنوان نیروی محرکه‌ای در جوان نوری که احتیاجات جدیدی دارد بروز می‌کند. (سجادی، ۱۳۸۵: ۲۰)

لازم به ذکر است اگرچه حس خودآرایی در جوان بیش از سایر اقشار سنی وجود دارد، اما از سویی نیز به‌صورت اختصاصی‌تر این میل در زنان بیش از مردان است و اگر در بیشتر دستورات قرآنی پوشش اختصاص به زنان یافته به این دلیل است که میل زن به خودآرایی با توجه به زیبایی‌های فیزیکی او بیشتر است. (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۳۶)

ایمان و «زینت»

در برخی آیات از «زینت» و آراستگی سخن رفته که محسوس و ملموس نیست بلکه زینت‌ها مربوط به مقولات انتزاعی و معنوی است. واضح است که جوان در این دوره به اوج رشد شناختی دست می‌یابد، پس می‌تواند درک درستی از زیبایی‌های حقیقی داشته باشد. خدای سبحان در قرآن از زینت «ایمان» در قلوب مؤمنان سخن گفته است:

... وَلَئِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ
وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ. (حجرات / ۷)

چنان‌که گفتیم توأم با بلوغ فکری که از دوره نوجوانی آغاز می‌شود، گویی جوان به ندای فطرت حق‌طلبی خود پاسخ می‌دهد و گویی ایمان را در ساحت باور و عمل محقق می‌کند. (سجادی، ۱۳۸۵: ۱۶)
در قرآن کریم نمونه‌های متعدد از جوانانی یاد شده که در سایه آراستگی به زینت ایمان کارهای شگرفی کرده‌اند و از آزمون‌های الهی سربلند در آمده‌اند از جمله: حضرت ابراهیم علیه السلام که در جوانی به رشد لازم دست یافت و براساس آن به سراغ بت‌شکنی و پی‌آمد منفی آن شتافت. (انبیاء / ۵۲ - ۵۱) در جایی دیگر اسماعیل علیه السلام در سنین نوجوانی در اوج بردباری و حلم، در پاسخ مشورت‌خواهی پدرش که خواب دیده بود، وی را سر می‌برد، گفت: به مأموریتت عمل کن و خواست خدا را انجام بده، مرا ثابت قدم خواهی یافت. (صافات / ۱۰۵ - ۱۰۱) در ماجرای اصحاب کهف، تعدادی از کاخ‌نشینان جوان، به جنگ و مخالفت با محیط آلوده به شرک، بت‌پرستی و خودکامگی برخاسته و به قصد حفظ ایمان و باورشان به زندگی در آسایش و رفاه پشت پا زده و راه هجرت و آوارگی را در پیش گرفته و با انتخاب زندگی جدید، خواب و مرگ ویژه خود، معجزه یادماندنی را در تاریخ به ثبت رساندند. (کهف / ۱۴ - ۱۳)

این مثال‌ها نمونه‌هایی از جوانانی هستند که ایمان در قلوبشان به زیباترین صورت زینت یافته و از کفر و فسوق عصیان بری شده‌اند. بعید نیست که جوان با تغییرات فیزیولوژیک و هورمونی و تضادها و تعارض‌های درونی بیش از سایر گروه‌های سنی تحت تأثیر نفس اماره باشد، اما اگر جوانی توانست در میان همه تلاطم‌ها و هجمه‌های نفسانی پاسدار «زینت قلبش» باشد در زمره کسانی قرار می‌گیرد که به حقیقت رشد یافته است، چنان که کلام وحی آنها را «أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات / ۷) معرفی می‌کند و در آیه (انبیاء / ۵۱) ابراهیم علیه السلام رشدیافته نام برده شد «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ» درحالی که قرآن فرعون را رشدیافته نمی‌داند: «وَمَا أُمِرُّ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ». (هود / ۹۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷ / ۱۲۰)

۴. تفاخرگرایی

چهارمین گرایش از ادوار حیات انسانی که مرتبط با بازه چهارم حیات؛ یعنی میان‌سالی است، «تفاخر» است. در تعریف دوره میان‌سالی آن را دوره‌ای از زندگی می‌دانند که پس از جوانی و پیش از سالمندی است. تلاش‌های مختلفی برای تعریف این دوره انجام شده است و برخی آن را به‌عنوان ربع سوم متوسط طول عمر انسان تعریف کرده‌اند. برخی دوره میان‌سالی را تنها براساس سن تقویمی و تغییرات زیست‌شناختی تعریف می‌کنند و بعضی آن را بر مبنای تعریف بافتی بیان می‌دارند؛ یعنی میان‌سال به اصطلاح به فردی اطلاق می‌شود که فرزندان بزرگ و والدینی سال‌خورده دارد. مطابق نظر مشهور روان‌شناسی دوره میان‌سالی را سن ۴۰ تا ۶۵ سالگی معرفی کرده‌اند. از یک دیدگاه میان‌سالی غالباً با مسئولیت‌های پیچیده و متعدد همراه است. بعضی دوره میان‌سالی را بارورترین دوره زندگی دانسته‌اند که افراد به ثباتی در دارایی‌های مادی و معنوی خود می‌رسند و پس از آن نیروهای جسمی و ذهنی آنها به‌تدریج تحلیل می‌رود. (برک، ۱۳۹۰: ۲ / ۳۳۲ - ۳۳۱) شاید از همین رو است که دوره میان‌سالی با گرایش «تفاخر» که برتری‌جویی نسبت به داشته‌های مادی و معنوی است بیشتر هم‌خوانی دارد. «تفاخرگرایی» از جمله گرایش‌هایی است که ارتباط تنگاتنگ با امور اجتماعی دارد، شاید در سه دوره سنی قبلی، رشد شخصیتی افراد به‌گونه‌ای نبود که بیشترین تأثیر را در تعاملات اجتماعی داشته باشند، اما در دوره میان‌سالی فرد به لحاظ رشد شخصیتی به جایگاهی رسیده که وارد تعاملات اجتماعی شود. روان‌شناسان متعاقب رشد جسمی، شناختی عنوان «زاینده‌گی در برابر رکود» را شاخصه روانی - اجتماعی این دوره دانسته‌اند. (همان)

معناشناسی «تفاخر»

«تفاخر» بزرگ شمردن و به خود بالیدن است. برخی معنای «تکبر» را مترادف با «تفاخر» ذکر کرده‌اند.

پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی رشد □ ۲۰۳
(حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۷ / ۳۴۱) واژه «تفاخر» دارای یک اصل معنایی است و در مورد آن بیان شده که «تفاخر» دعوی برتری برای چیزی و امتیاز آن بر سایر چیزها است و این برتری یا در خود آن است و یا صفت باطنی و یا در عمل است. (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۹ / ۳۸)

اوصاف تفاخرگرایی از منظر آیات قرآنی و روان‌شناسی رشد

«تفاخر» از ریشه «فخر» به معنای مباهات کردن در اموری مانند مال، مقام و اولاد یا مباهات به صفات انسانی و نیز خود را بزرگ وانمود کردن است. واژه «تفاخر» در قرآن ۱ بار و این واژه به همراه مشتقات ریشه آن در ۶ مورد به کار رفته است. البته برخی آیات دیگر هم هستند که به لحاظ محتوا و مضمون دلالت بر گرایش تفاخر دارند اما ریشه «فخر» در آنها به کار نرفته است. از سویی چنان که در مقدمه این بخش ذکر شد دوره میان‌سالی دوره مرتبط با گرایش «تفاخر» است، چنان که بیان شد شاید وجه ارتباط این گرایش با دوره میان‌سالی وجود دارایی‌های مادی و معنوی است که در سطح مطلوب و قابل ارائه‌ای برای ابراز آن در سطح اجتماع باشد و همچنین خودآگاهی که فرد در این دوره نسبت به دوره‌های پیشین دارد. (ابوالقاسمی، کیامرثی، آق، ۱۳۹۰: ۲۹) پرواضح است که در کلام وحی هیچ کدام از امور مادی که بقا و دوامی بر آنها مترتب نیست، ارزشمندتر، بافضیلت‌تر و افتخارآمیزتر از ایمان به خدا، فرستادگان، زندگی واپسین و تقوا نیست. از منظر قرآنی بازه سنی خاصی به گرایش تفاخر اختصاص نیافته است، اما از آنجاکه پیش از میان‌سالی داشته‌های مادی و معنوی انسان محدود است، چه بسا به لحاظ بروز و پدیداری این گرایش بازه سنی میان‌سالی مناسب‌ترین دوره سنی برای آن باشد.

لازم به ذکر است با توجه به آیه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی / ۱۱) برخی «فخر» را دارای دو قسم باطل و غیرباطل یا ممدوح و مقبوح دانسته‌اند و بیان صفاتی که عقلاً و شرعاً پسندیده است بدون خودستایی باطل نشمرده‌اند؛ (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۶ / ۶۸) زیرا فخور کسی است که از روی خودبزرگ‌بینی و فخرفروشی و با انگیزه کوچک شمردن دیگران مناقب خود و دارایی‌های خدادادی‌اش را برمی‌شمرد، اما کسی که نعمت‌های پروردگارش را برمی‌شمرد، شکور است نه فخور. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۷۱)

پیوندهای خانوادگی و «تفاخر»

پیش‌تر در تعریف دوره میان‌سالی ذکر شد که برخی این دوره را مرتبط با فردی می‌دانند که فرزندانی بزرگ و والدینی سال‌خورده دارد و از همین‌رو است که فرد میان‌سال با شناختی که نسبت به این نعمت دارد ممکن است در دام تفاخر گرفتار آید. پرواضح است که کودک، نوجوان و جوان نه تنها ممکن است از این نعمت‌ها

برخوردار نباشند بلکه درکی نیز از جایگاه اجتماعی والدین و فرزندان برای بالیدن به آنها نداشته باشند. برخی آیات قرآنی از «تفاخر» نسبت به تعداد افراد که شامل فرزندان و افراد قبیله که اغلب نسبت سببی با هم دارند و بعضی آیات در مورد «تفاخر» نسبت به پدران و انساب مصادیقی را بیان می‌دارند.

الف) اولاد مایه تفاخر

در آیه‌ای دوستی به زیادی تعداد نفرت وابسته‌اش افتخار می‌کند؛ «وَكَانَ لَهُ تَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ: أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا». (کهف / ۳۴) در صورتی که قرآن تنها مایه تقرب را ایمان و عمل صالح می‌شمرد، «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا...» (سبا / ۳۷)

ب) پدران مایه تفاخر

فخرفروشی به نیکان و آباء و اجداد، از دیگر مصادیق تفاخر است که قرآن این گونه از آن یاد می‌کند: «فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ إِشَادَ ذِكْرًا...» (بقره / ۲۰۰) در جاهلیت رسم بوده که حجاج، بعد از تمام کردن عمل حج، ساعتی در منا توقف می‌کردند و به پدران خود افتخار می‌نمودند که پدر ما چنین و چنان بوده و بر دیگران فخر می‌فروختند؛ خدای متعال آنها را از این عمل نهی نموده و تذکر داد که به جای یادآوری از پدران و تفاخر به آنها، خدا را یاد کرده و توجهتان به خدای متعال باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۸۰)

ج) نژاد مایه تفاخر

در آیه‌ای دیگر یهود و قوم بنی‌اسرائیل خود را نژاد برتر می‌خوانند و در نتیجه خیانت در اموال دیگران را برای خود روا می‌پندارند، اما قرآن هرگونه نژادپرستی و امتیازطلبی از این دست را ممنوع می‌شمارد: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ، قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (مائده / ۱۸)

مال و دارایی و «تفاخر»

از جمله مصادیق دیگری که در قرآن مایه «تفاخر» است مال و دارایی است. اگرچه در هیچ‌یک از آیات قرآنی اشاره به این نشده است که «تفاخرگرایی» در افراد میان‌سال بروز کرده است، اما شواهد قرآنی حاکی از این است که حداقل این امر در دوران کودکی یا نوجوانی افراد رخ نداده است و در هنگامی بوده که شخص به تمکن مالی و موقعیت ویژه اجتماعی رسیده است، از این رو بر طبق برخی مطالعات

۲۰۵ □ پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی رشد

روان‌شناسی نقشی اجتماعی افراد مبتنی بر سن است، چنان‌که کودکان و نوجوانان بیشتر مشغول بازی و یادگیری هستند و افراد میان‌سال بیشتر مشغول کار و گردآوری دارایی هستند و افراد سال‌خورده از کار بازنشسته شده‌اند. (پاپالیا، ۱۳۹۲: ۶۱۸)

از جمله مصادیق قرآنی تفاخر به دارایی‌ها تفاخر قارون به داشته‌هایش است. (قصص / ۷۹ - ۷۶) نمونه‌ای دیگر آیاتی است که بیانگر تفاخر فرعون به مال و دارایی‌اش است؛ او به پشتوانه آنها خود را قدرتمندتر از دیگران و پیامبر خدا می‌پندارد. (زخرف / ۵۳ - ۵۱) در جایی دیگر ملک و باغی مایه مباهات شخصی نسبت به دوستش شده است. (کهف / ۳۴ - ۳۲)

موقعیت اجتماعی و «تفاخر»

در مورد افراد میان‌سال آنچه مسلم است این است که زندگی آنها در انزوا سپری نمی‌شود. مسیر زندگی آنها با مسیر زندگی اعضاء خانواده، دوستان و آشنایان و حتی غریبه‌ها تقاطع و تضاد دارد و نقش‌های شغلی و فردی به یکدیگر وابسته‌اند. (پاپالیا، ۱۳۹۲: ۶۲۹) از دیگر مصادیق قرآنی در رابطه با گرایش «تفاخر» مباهات به موقعیت اجتماعی است، چنان‌که برخی به سقاییت حجاج در عصر جاهلیت مباهات می‌کردند، اما کلام وحی تنها ایمان به خدا و آخرت و جهاد در راه خدا را مایه فضیلت می‌شمرد: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوِينَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه / ۱۹)

۵. تکاثرگرایی

پنجمین و آخرین گرایش از گرایش‌های ادوار حیات انسانی که با بازه پنجم حیات؛ یعنی کهن‌سالی مرتبط است، گرایش «تکاثر» است. برای «کهن‌سالی» یا سالمندی تعاریف متفاوتی بر مبنای سن تقویمی، سن جسمی و سن روان‌شناختی بیان کرده‌اند بر مبنای این تعاریف بسیاری از روانشناسان سن سالمند را به فرد بالای ۶۵ سال اطلاق کرده‌اند. (برک، ۱۳۹۰: ۴۵۹ - ۴۵) شاید مهم‌ترین حس در وجود کهن‌سال حس «کمال» باشد که به‌علت تجارب و اندوخته‌های مادی و معنوی است که تا این سن کسب کرده است. (پاپالیا، ۱۳۹۲: ۶۷۶ - ۶۶۹) از سویی از آنجا که بازه نهایی عمر به‌معنای مواجهه با مرگ است، چه‌بسا برخی افراد کهن‌سال با پذیرش فرآیند مرگ واکنش‌های متعددی از جمله انکار، خشم، چانه‌زدن برای بیشتر زنده ماندن و افسردگی را نشان دهند. (همان: ۷۵۱) ممکن است این چانه‌زدن برای بیشتر زنده ماندن در خیال یک کهن‌سال مصداق «تکاثرگرایی» باشد که به‌معنای مسابقه دوطرفه در فزونی خواهی در مال و مقام و تفاخر به کثرت مناقب، اموال و اولاد خود است.

معناشناسی «تکائر»

لغت‌شناسان «تکائر» و «مکائره» را یکی دانسته‌اند و چنان‌که در شأن نزول سوره تکائر آمده آن را در مورد اعراب جاهلی از باب تفاخر مردگان و زندگان خویش ذکر کرده‌اند. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۵ / ۱۳۲) ریشه «تکائر» یک چیز و «کثر» دانسته شده و در برابر «قلت» است. «تکائر» از باب مطاوعه و «کثر» مفهومی نسبی است که در موارد مختلف متفاوت است همچون قلت. (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۱۰ / ۲۷) تکائر؛ یعنی فخرفروشی به فزونی مال، نفرت و فرزندان؛ (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۷۰) از این رو برخی معنای «تفاخر» و «تکائر» را مرداف دانسته‌اند. (رازی، ۱۳۷۴: ۳۲ / ۷۵)

اوصاف تکائرگرایی منظر آیات قرآنی و روان‌شناسی رشد

«تکائر» از ریشه «کثر» به معنای مسابقه دوطرفه در فزونی مال، مقام و تفاخر به کثرت مناقب، اموال و اولاد می‌باشد. صیغه تفاعل در «تکائر» برای مبالغه در فعل است و طرفین در آن لحاظ شده‌اند، به‌گونه‌ای که متکائر به‌سان کسی است که با فزون‌طلبی درصدد چیرگی بر شخصی برآید. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۳۰ / ۵۱۹) واژه «تکائر» در قرآن ۲ بار و ریشه این واژه و مشتقات آن ۱۶۷ بار در قرآن به‌کار رفته است. برخی آیات دربردارنده معنای ضمنی «تکائر» هستند، هرچند این واژه و ریشه آن در آنها به‌کار نرفته است. از آنجاکه معنای واژه «تکائر» با معنای «تفاخر» از برخی جنبه‌ها هم‌پوشانی دارد در این بخش تنها به مباحث و آیاتی که ذیل واژه «تفاخر» اشاره نشده است، پرداخته می‌شود. اگرچه «تکائر» و «تفاخر» هم از حیث مفهوم و هم از حیث مصداق با هم تفاوت دارند ولی رابطه سببی و مسببی حاکم بین این دو واژه، بدین لحاظ که تکائر را مایه تفاخر دانسته‌اند، موجب شده است که اکثر مفسران ذیل بحث تکائر به تفاخر هم بپردازند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۸۱۲) از سویی در پیوند «تکائرگرایی» با دوره «کهن‌سالی» می‌توان گفت که در این دوره شخص کهن‌سال دیگر از موقعیت‌های اجتماعی چندانی برخوردار نیست و فقط در پی فزونی‌طلبی در دارایی‌های مادی و معنوی خود است تا حس کمال‌خواهی خود را ارضاء کند. (پاپالیا، ۱۳۹۲: ۶۷۶ - ۶۶۹) همچنین لازم به ذکر است که اسلام به زندگی دنیوی بی‌توجه نیست و حتی برای ترغیب به رزق حلال و تأمین نیاز متعارف خانواده توصیه و تأکید دارد، اما آنچه از منظر وحی مذموم است زیاده‌خواهی و اشرافی‌گری و اسراف و تبذیر است.

دارایی‌ها و «تکائر»

انسان بر خلاف بسیاری از موجودات هستی، علاقه به فزون‌خواهی دارد. او می‌کوشد به چیزهای بیشتر

پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی رشد □ ۲۰۷

دست یابد و از هر لحاظ بر دیگران فزونی و برتری یابد. این فزون‌خواهی گاه آرام و قرار را از انسان سلب می‌کند و همه همت او را معطوف به جلب ثروت می‌کند، چنان‌که گفته شد در قرآن از فزون‌خواهی منفی و برتری‌جویی معکوس به «تکاثر» تعبیر شده است. شاید علت تلازم دوره کهن‌سالی با تکاثر در این است که سالمند دنیاطلب از یک منظر فرصت بهره بردن از دنیا را اندک می‌بیند و از همین رو روح او برای کسب بیشتر از دنیا حریص است. در آیه ۲۰ سوره حدید متعلق تکاثر مال و فرزندان ذکر شده است: «أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهَوٌّ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ». (حدید / ۲۰)

مردگان و «تکاثر»

مطابق آیات ابتدایی سوره تکاثر، فزونی‌خواهی گاه کار را بدانجا می‌کشاند که برخی به تعداد مردگان خویش مباحث می‌کردند: «أَلَهْنَكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکاثر / ۲ - ۱)

نتیجه

پنج گرایش لعب، لهو، زینت، تفاخر و تکاثر با مؤلفه‌هایی از پنج دوره سنی حیات؛ یعنی کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و کهن‌سالی پیوند دارد. اگرچه همه مؤلفه‌هایی که از منظر آیات قرآنی در مورد این گرایش‌ها بیان شده، الزاماً مابه‌ازائی در مباحث رفتارشناسی و روان‌شناسی ندارد. نکته قابل‌توجه این است که با در نظر گرفتن آیات قرآنی اگرچه غلبه، ظهور و پدیداری هر یک از پنج گرایش مذکور می‌تواند متناظر با دوره سنی مرتبط با آن باشد، اما دوام و بقای آنها انحصاراً محدود به یک بازه سنی نیست و چه‌بسا برخی گرایش‌ها در همه ادوار حیات دیده شوند و برخی از آنها با دیگر گرایش‌ها هم‌پوشانی داشته باشد.

با توجه به آیات قرآنی گرایش «لعب» با دوره کودکی متناظر است که بسیاری از مؤلفه‌های بازی کودکان در اوصاف مرتبط با این گرایش از منظر قرآنی مرتبط است، اما از منظر قرآنی تنها بازی کودکان بازی مقبول است و سایر مصادیق بازی در قرآن با دنیاگرایی مرتبط است. در نهایت بررسی مجموعه آیاتی که ناظر به گرایش «لعب» هستند روشن می‌سازد که از منظر قرآن لعب‌گرایان الزاماً کودک نیستند، بلکه افرادی هستند که بلوغ شناختی آنها در دوره کودکی جمود پیدا کرده و تنها ابزار بازی آنها متفاوت شده است.

گرایش «لهو» با دوره نوجوانی یا دوره هویت‌یابی است و شاید از همین رو قرار گرفتن سن بلوغ شرعی و به تبع آن انجام تکالیف عبادی در این بازه نقشه راهی برای هدفمندی زندگی فرد است.

از سویی در بیشتر گزاره‌های قرآنی هر جا از «لهوگرایی» سخن رفته اشاره‌ای مستقیم یا ضمنی به باورهای شخص شده است.

سومین گرایش؛ یعنی «زینت» با دوره جوانی متناظر است. جوانی بهار عمر آدمی است، از این رو جوان خود بهترین مصداق زینت است. گاه جوان به انحاء مختلف و با زیورهای مادی، کلامی و رفتاری درصدد فزونی بخشی به زینت جوانیش برمی آید، اما از منظر قرآن زینت حقیقی که آدمی را به بهار رشد و شکوفایی می‌رساند نه در ظاهر بلکه در باطن و چیزی جز ایمان نیست.

گرایش «تفاخر» با دوره میان‌سالی مرتبط است. دوره میان‌سالی دوره زاینده‌گی است. در این دوره فرد به داشته‌های مادی و معنوی قابل قبولی رسیده و بیشترین تعاملات اجتماعی را دارا است، از این رو، این گرایش با دوره میان‌سالی بیشترین تناسب را دارد اما در نگره قرآنی نه داشته‌های مادی، نه موقعیت و نه پیوندهای خانوادگی مایه مباهات نیست بلکه فضایل ایمان، تقوی و جهاد در جایگاه مفاخره و مباهات هستند. از سویی تفاخر تنها در انتساب نعمت به منعم و از باب شکرگزاری از او امری ممدوح است.

در نهایت گرایش «تکاثر» با دوره کهن‌سالی مرتبط است که هم مسابقه دوطرفه در فزونی‌خواهی است و هم معنای تفاخر به داشته‌ها و دارایی‌ها را در بردارد. گویی کهن‌سال که در این بازه از زندگی فرصت حیات را پایان یافته می‌بیند بیش از پیش برای مسابقه فزون‌خواهی تلاش می‌کند اما از منظر قرآن هرگونه اسراف و تبذیر و هر فزون‌خواهی که کرانه‌مند و در چهارچوب شریعت نیست مذموم است و تنها کسب ثروت در جهت تأمین رفاه خانواده و انفاق فضل المال ممدوح شمرده شده است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۳، کتاب من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ دوم.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی‌تا، التحریر و التنویر، ج ۶، بی‌جا، بی‌نا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، بیروت، دار التراث العربی.
- اکبری، ابوالقاسم، ۱۳۹۳، مشکلات نوجوانی و جوانی، تهران، نشر رشد و توسعه، چ هفتم.
- برک، لورا، ۱۳۹۰، روان‌شناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران، چ هجدهم.
- پاپالیا، دایان ای، سالی، وندکاس، الدز، روت داسکین، فلدمن، ۱۳۹۲، روان‌شناسی رشد و تحول انسان، ترجمه داود عرب قهستانی، هامایاک آوادیس یانس، حمیدرضا سهرابی، فروزنده داورپناه، افسانه حیات روشنائی، سیامک نقشبندی، تهران، رشد، چ دوم.

- ۲۰۹ □ پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی رشد
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، اسلام و محیط زیست، تحقیق عباس رحیمیان و حسن واعظی، قم، اسراء، چ پنجم.
- _____، ۱۳۸۸، تسنیم، ج ۷، حسن واعظی، قم، اسراء، چ چهارم.
- حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لاجیاء التراث.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ ق، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت، دار الفکر.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، بی تا، مفاتیح الغیب، ج ۳۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت و دمشق، دار العلم و الدار الشامیه.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، قم، هجرت، چ دوم.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، صدر.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۲۰ ق، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۵، حکمت نامه کودک، ترجمه عباس پسندیده، قم، دار الحدیث.
- _____، ۱۳۹۳، بهار زندگی (برگرفته از حکمت نامه جوان)، قم، دار الحدیث.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۶، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، فطرت، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

(ب) مقاله

- آزاد مرزآبادی، اسفندیار، ۱۳۸۷، «بررسی ارتباط بین نظام ارزشی نوجوانان و هویت ملی آنان»، مطالعات ملی، ش ۳۴، ص ۱۳۲ - ۱۱۳، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.

۲۱۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال ۹، پاییز ۹۷، ش ۳۵

- ابراهیم نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۷، «خودآرایی و خودنمایی از دیدگاه اسلام»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، ش ۴، ص ۱۰۴ - ۹۳، تهران، بی‌نا.
- ابوالقاسمی، عباس، آذر کیامرثی و عبدالصمد آق، ۱۳۹۰، «ارتباط رفتارهای دینی و خودآگاهی با نارسایی‌های شناختی در میانسالان»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱۶، ص ۴۲ - ۲۷، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- احمدوند، محمدعلی، ۱۳۷۱، «روانشناسی بازی (۴) (تقریرات درس روانشناسی بازی)»، *رشد معلم*، ش ۹، ص ۳۷ - ۳۲، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- _____، ۱۳۷۱، «نظریه استراحت و رفع خستگی (روانشناسی بازی ۲)»، *رشد معلم*، ش ۸۷، ص ۳۸ - ۳۶، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- حاجی ده‌آبادی، محمد علی، ۱۳۸۳، «درآمدی بر الزام فرزندان به تکالیف دینی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۴۰.
- سجادی، سید ابراهیم، ۱۳۸۵، «جوان در قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۴۶ و ۴۷، ص ۳۰۷ - ۲۷۷، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- سلیمانی‌فر، ثریا، ۱۳۸۵، «شخصیت جوان از دیدگاه قرآن و عترت»، *بینات*، ش ۵۱، ص ۷۳ - ۵۱، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه‌السلام.
- فخرایی، فرزانه و حسن اسلام‌پور کریمی، ۱۳۸۹، «نگاهی کوتاه به زینت و خودآرایی از منظر آیات و روایات»، *بانوان شیعه*، ش ۲۳، ص ۱۸۸ - ۱۶۹، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.